



Original Article

Crime, Media and Critical Criminology

Nastaran Khajeh Noori¹, Roya Asiaei² 

ABSTRACT

Critical criminology, from the very beginning of its establishment, has paid attention to how mass media participate in defining, displaying, social control and analyzing crime. Based on this, critical criminology's attention to issues such as media, culture, customs, etc., has led to the formation of a sub-branch called cultural criminology in this field of study. Cultural criminology, which its main issues focus on crime as culture, culture as crime, media representation of crime and crime carnival, considers the truth of crime and the process of criminalization as the result of media procedures. Based on this, certain behaviors are first criminalized by the media, and then, the official discourse of criminal justice institutions recognizes this process and analyzes the necessary measures for official criminalization. Therefore, the important finding of this research, in regard to cultural criminology approaches, is that the media can be considered the initiator of informal criminalization process and the facilitator of the formal criminalization process.

KeyWords: Critical Criminology, Media, Culture, Representation, Cultural Criminology.

How to Cite: Khajeh Noori, Nastaran, Asiaei, Roya, "Crime, Media and Critical Criminology", Legal Research, Vol. 27, No. 106, 2024, pp:187-202.

DOI: <https://doi.org/10.48308/jlr.2024.234343.2651>

Received: 02/01/2024-Accepted: 03/03/2024

1. Assistant Professor, Faculty of Law, Islamic Azad University: Tehran Central Branch, Tehran, Iran

2. Assistant Professor, Faculty of Law, Islamic Azad University: Tehran Central Branch, Tehran, Iran

Corresponding Author Email: r.asiaee@iauctb.ac.ir



Copyright: © 2024 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



جرم، رسانه و جرم‌شناسی انتقادی

نسترن خواجه نوری^۱، رویا آسیایی^۲

چکیده

جرم‌شناسی انتقادی از ابتدای تأسیس خود نقش رسانه‌های گروهی را در تعریف، نمایش، کنترل اجتماعی و تحلیل جرم مورد بررسی قرار داده است. بر این پایه، تمرکز جرم‌شناسی انتقادی بر موضوعاتی مانند رسانه، فرهنگ، آداب و رسوم و غیره، منجر به ایجاد زیرشاخه‌ای به نام جرم‌شناسی فرهنگی در این حوزه مطالعاتی شده است. جرم‌شناسی فرهنگی که مهم‌ترین مسائل خود را به موضوعاتی مانند جرم به‌عنوان فرهنگ، فرهنگ به‌عنوان جرم، بازنمایی رسانه‌ای از جرم و کارناوال جرم متمرکز کرده است، حقیقت جرم و فرایند جرم‌انگاری را نتیجه رویه‌های رسانه‌ای می‌داند. بر این اساس، رفتارهای خاص ابتدا مورد جرم‌انگاری رسانه‌ای قرار می‌گیرند و سپس، گفتمان رسمی نهادهای عدالت کیفری نیز این فرایند را به رسمیت می‌شناسد و تدابیر لازم برای جرم‌انگاری رسمی را بررسی می‌کند. بنابراین، یکی از یافته‌های مهم این پژوهش این است که در راستای رویکردهای جرم‌شناسی فرهنگی، می‌توان رسانه‌ها را آغازگر فرایند جرم‌انگاری غیررسمی و تسهیل‌کننده فرایند جرم‌انگاری رسمی دانست.

کلید واژگان: جرم‌شناسی انتقادی، رسانه، فرهنگ، بازنمایی، جرم‌شناسی فرهنگی.

استناد به این مقاله: خواجه نوری، نسترن، آسیایی، رویا، «جرم، رسانه و جرم‌شناسی انتقادی»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، دوره ۲۷، شماره ۱۰۶، شهریور ۱۴۰۳، صص: ۱۸۷-۲۰۲.

DOI: <https://doi.org/10.48308/jlr.2024.234343.2651>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۱۲ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۱۳

۱. استادیار، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی: واحد تهران مرکز، تهران، ایران

۲. استادیار، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی: واحد تهران مرکز، تهران، ایران

ایمیل نویسنده مسئول: r.asiaee@iauctb.ac.irCopyright: © 2024 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

مقدمه

کارکرد رسانه‌ها در عصر اطلاعات، بی‌شک در همه عرصه‌ها انکارناپذیر است. یکی از عرصه‌ها و ابعاد مهم فعالیت رسانه‌ها، جمع‌آوری، تنظیم و انتشار اخبار است. از آنجا که روزنامه‌ها به ثبت وقایع و مسائل روز جامعه می‌پردازند، بررسی آن‌ها می‌تواند به ترسیم مهم‌ترین وقایع یک دوره خاص کمک کند. مطبوعات و رسانه‌ها علاوه بر به‌کارگیری اصول خاصی در خبرنگاری، از طریق نحوه انتشار و نشر آن‌ها نیز زوایای خاصی از اخبار متفاوت را که متناسب با دیدگاه‌های آن‌هاست، برجسته‌سازی می‌کند تا از این طریق، برای اذهان مخاطبان خود اولویت‌سازی کنند. این امر در انعکاس اخبار جنایی نیز صادق است؛ به طوری که باعث شده اخبار خشونت‌آمیز در صدر اخبار جنایی رسانه‌ها قرار گیرند و به شکل غیرواقعی احساس ناامنی و ترس را در مردم افزایش دهد و راه را برای اتخاذ سیاست‌های سخت‌گیرانه هموار کند. امروزه احزاب و گروه‌های سیاسی از قدرت رسانه‌ها برای ترسیم تصویر خاصی از خشونت و تأثیر بر واکنش‌های مقطعی و دوره‌ای در پاسخ به خشونت‌های خیابانی استفاده می‌کنند. دولت‌ها تلاش می‌کنند که از طریق افزایش ترس عمومی به افرادی که به طور علنی در خیابان‌ها به خشونت متوسل می‌شوند، توجه مردم را از بحران‌های سیاسی و اقتصادی منحرف و به سمت جرایم خشونت‌آمیز معطوف کنند. در نتیجه، سیاست‌مداران نه فقط با بازنمایی رسانه‌ای گسترده جرایم خشونت‌آمیز مخالفت نمی‌کنند، بلکه از آن استقبال می‌کنند. از سویی، جذابیت خبری این اخبار خشونت‌آمیز و تأثیر فراوان انتشار آن در جلب مخاطب، موجب می‌شود تا بخش اعظم اخبار حوادث جنایی رسانه‌ها به این اخبار اختصاص یابد. به‌عنوان نمونه، طبق تحقیقات انجام‌شده در زمینه میزان علاقه‌مندی خوانندگان مطبوعات کشور به حوادث جنایی، جرایم قتل، دزدی و آدم‌ربایی در رده نخست موضوعات مورد مطالعه قرار داشتند که چنین نتیجه‌ای، سردبیران و مدیران رسانه‌ها را به سمت انتشار اخبار جرایم خشونت‌آمیز سوق می‌دهد که این باعث استفاده رسانه‌ها از عبارات جذاب و عامه‌پسند در تشریح چگونگی وقوع حادثه بدون ارائه تحلیلی علمی در زمینه عوامل وقوع جرم و راه‌های پیشگیری از آن است. به‌عنوان نمونه، یافته‌های یک پژوهش در مورد روزنامه کیهان و ایران نشان می‌دهد که این دو روزنامه عموماً به تشریح چگونگی وقوع حوادث خشونت‌آمیز می‌پردازند و به شرایط اجتماعی و عوامل وقوع آن توجه نمی‌کنند. همچنین نقطه‌نظرات و دیدگاه‌های جامعه‌شناسان، جرم‌شناسان، روان‌پزشکان و سایر کارشناسان علوم انسانی جایگاهی در گزارش‌های حوادث این دو روزنامه ندارند.

نکته مهم این که رابطه منطقی بین الگوها و جریان انتشار اخبار جرایم خشونت‌آمیز در رسانه‌ها و آمار واقعی ارتکاب این جرایم وجود ندارد. به‌عنوان نمونه در آرژانتین، ۴۰ درصد از جرایم منتشرشده در روزنامه‌های پرتیراژ این کشور مربوط به جرایم علیه اشخاص است. این در حالی است که براساس آمارهای رسمی، میزان واقعی این جرایم از ۱۷ درصد تجاوز نمی‌کند. در مقابل، در حالی که جرایم علیه اموال حدود ۷۰ درصد جرایم ارتكابی این کشور را تشکیل می‌دهند، فقط ۱۸/۷ درصد از جرایم گزارش‌شده در رسانه‌ها به این گروه از جرایم اختصاص داشته است.^۱ بنابراین، برداشت‌های عمومی از جرم به واسطه پوشش اخباری که موضوع و چگونگی انتقال آن به مردم از طرف خبرنگاران، دبیران سرویس خبری روزنامه‌ها و مدیران مسئول تنظیم خبر به‌خوبی انتخاب شده است، سطحی از احساسات را به وجود می‌آورد که نه فقط ماهیت و گستره جرم را تعیین می‌کند، بلکه چگونگی برخورد و احساس مردم با پدیده‌های اخلاقی را نیز مشخص می‌کند؛ چنان که نقش مؤثری در تعیین محدوداً جرم و انحراف بازی می‌کند.^۲ با توجه به این نقش شگرف، برخی از جرم‌شناسان رسانه‌های گروهی، به‌ویژه مطبوعات، را منبع اساسی نشر ناامنی یا احساس ناامنی می‌دانند. نبود احساس امنیت اجتماعی می‌تواند زمینه‌ساز آسیب‌های

۱. فرجی‌ها، محمد، «بازتاب رسانه‌ای جرم»، فصلنامه رفاه اجتماعی، جلد ۶، شماره ۲۲، ۱۳۸۵، ص ۷۰.

۲. همان، ص ۵۸.

اجتماعی دیگر و از همه مهم‌تر به خطر افتادن نظم و انسجام اجتماعی در سطح جامعه شود. از این‌رو، این پژوهش سعی دارد پس از معرفی جرم‌شناسی انتقادی، رویکردهای آن در زمینه پوشش اخبار جنایی را تحلیل و نقش جرم‌شناسی خبرساز و فرهنگی را به‌طور ویژه بررسی کند. بدیهی است که دلیل تأکید بر این دو قلمروی مطالعاتی آن است که فقط این دو حوزه در جرم‌شناسی انتقادی به مسائل رسانه‌ای پرداخته‌اند.

۱. جرم‌شناسی انتقادی

این جرم‌شناسی پیش‌فرض‌ها و نظریه‌های جرم‌شناسی تحقیقی را رد کرده و رویکرد مطالعاتی خود را در زمینه بزهکاری بر نظام سیاسی (دولت) و نظام اقتصادی حاکم و به ویژه ساختار قانون‌گذاری و عدالت کیفری کشورها متمرکز کرده است. به‌طور کلی، جرم‌شناسی انتقادی بر این عقیده است که مطالعات و تحقیقات جرم‌شناسی (با رویکرد مضیق علت‌شناختی)، صرفاً بر مجرمان و نه بر بزهکاری بنگاه‌های خصوصی و نهادهای رسمی و مدیریت و مهندسی اجتماعی دولت، برای کنترل جرم متمرکز است و از بررسی تأثیر خود دولت، صاحبان قدرت، عدالت کیفری و نظام اقتصادی و فرهنگی حاکم بر انحراف‌های اجتماعی (از جمله بزهکاری) غافل مانده است.^۱ شاخه‌های این جرم‌شناسی عبارت‌اند از: جرم‌شناسی رادیکال^۲ (که به‌نوعی از مارکسیسم الهام می‌گیرد و طرفدار گسست‌بنیادی با اصول و مفاهیم جرم‌شناسی تحقیقی است)، تعامل‌گرایی، کنترل‌شناسی یا جرم‌شناسی سازمانی و تا اندازه‌ای بزه‌دیده‌شناسی. ویژگی مشترک همه این جرم‌شناسی‌ها این است که نظریه‌ها و دورنماهایشان حاصل تحقیقات میدانی و تجربی نیست، بلکه بیشتر جنبه نظری، فلسفی و گاه سیاسی - ایدئولوژیک و مطالباتی دارد و به‌جای ارائه راهکارهای واقع‌بینانه برای جرم و انحراف، بیشتر تغییر قواعد و حتی «نظم» حاکم را برای عقب راندن موج بزهکاری و انحراف در حوزه‌های موردعلاقه خود دنبال می‌کنند.^۳ در واقع در این تئوری‌ها، تبیین جرم و شناخت عوامل موثر بر آن، برخلاف آن چیزی که در پارادایم‌های پیشین به آن توجه شد، فارغ از ارزش‌ها و منافع صورت نمی‌پذیرد. از منظر پارادایم انتقادی، جرم تعریف شدنی است و عنصر قدرت آن را علیه افراد حاشیه‌ای‌تر و ضعیف‌تر به کار می‌گیرد. به‌علاوه، جرم لزوماً در عالم واقعیت وجود ندارد، بلکه این افراد صاحب نفوذ و قدرتمندند که آن را برمی‌سازند.^۴ جرم‌شناسی انتقادی به‌عنوان رهیافتی نو در مکتب‌های جرم‌شناسی به تحلیل اقتصاد سیاسی جرم/ انحراف و تبیین رابطه میان ساختار اجتماعی نظام‌های سرمایه‌داری و رفتارهای بزهکارانه می‌پردازد. به باور متخصصان این حوزه، از سویی قانون تعیین‌کننده خوبی‌ها و بدی‌هاست و از سوی دیگر، سیاست‌گذاری عمومی در وضع قوانین تحت تأثیر فشارهای طبقه فرادست قرار دارد؛ از این‌رو، حقوق بازیچه سیاست می‌شود و در خدمت آن، موازین عدالت را نقض می‌کند. به باور جرم‌شناسان انتقادی، ماهیت فرایند جرم‌انگاری تبلور منافع گروه‌های قدرت در وضع قوانین جنایی و تداوم هژمونی طبقه فرادست است. بر این اساس، پژوهشگران انتقادی در فرایند جرم‌انگاری به مباح بودن رفتارهای زیان‌بار برخی گروه‌ها، از جمله رفتار شرکت‌های بازرگانی و کارگزاران دولتی، اشاره می‌کنند.^۵ جرم‌شناسان انتقادی در تحلیل فرایند جرم‌انگاری به گفتمان

۱. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، *جرم‌شناسی در آغاز هزاره سوم (درآمد ویراست دوم)*، در: دانشنامه جرم‌شناسی، تهران: گنج دانش، چاپ دوم، ۱۳۹۰، ص ۱۸.

۲. گسن، رمون، «گرایش‌های نو در جرم‌شناسی»، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، *فصلنامه تحقیقات حقوقی*، دوره ۲، شماره ۲، ۱۳۶۵، ص ۱۶۶.

۳. نجفی ابرندآبادی، پیشین.

۴. صادقی، سهیلا و ستار پروین، «جرم: برساخته ذهنیت، گفتمان و قدرت»، *فصلنامه پژوهش حقوق و سیاست*، دوره ۱۳، شماره ۳۳، ۱۳۹۰، ص ۲۱۹.

۵. دکسردی، والتر، *جرم‌شناسی انتقادی معاصر*، ترجمه و تحقیق: مهرداد رایجیان اصلی و حمیدرضا دانش‌ناری، تهران: دادگستر، چاپ دوم، ۱۳۹۴، ص ۷.

ابزارگرایی کیفری می‌پیوندند. این گفتمان قانون کیفری را در بسترهای مختلف، ابزاری برای دستیابی به منافع گروهی خاص می‌پندارد. در شرایطی که از یک سو، اجتماعی درخصوص منافع اجتماعی وجود نداشته باشد و از سوی دیگر، قانون به‌عنوان ابزاری قدرتمند تلقی شود، اشخاص و گروه‌های مختلف اجتماعی در پی آن‌اند که قانون را وسیله‌ای برای دستیابی به اهداف خود قرار دهند. این امر به واسطه دخالت در امر قانون‌گذاری و جرم‌انگاری محقق می‌گردد.

۲. جرم‌شناسی خبرساز

جرم‌شناسی انتقادی از همان ابتدای تأسیس خود، چگونگی مشارکت رسانه‌های گروهی در تعریف، به نمایش گذاشتن، کنترل اجتماعی و تحلیل جرم و همچنین نوع برداشتی آن‌ها از ارتکاب جرم را مورد توجه قرار داده است. در این مورد، می‌توان به یکی از رویکردهای جدیدی که در جرم‌شناسی انتقادی معاصر با عنوان جرم‌شناسی خبرسازی^۱ ارائه شده است، اشاره کرد که عمدتاً از دههٔ پایانی ۱۹۹۰ به این سو ایجاد شده است. جرم‌شناسی خبرساز از جرم‌شناسان دعوت می‌کند که رویکرد جرم‌شناسی انتقادی به موضوعات جرم و عدالت کیفری را از طریق رسانه‌های گروهی (از جمله اینترنت)، در حوزهٔ عمومی و در سطح وسیع‌تری با مردم (به‌ویژه جوانان) با زبان قابل‌درک برای عموم مردم مطرح کند تا تأثیر جرم‌شناسی بر رویه‌ها، تغییرات اجتماعی و رفتار اعضای جامعه در بهبود کنترل بزهکاری ملموس و واقعی شود.^۲ اگر اخبار و رویدادهای جنایی به‌سادگی حقیقت یک پدیدهٔ مجرمانه را بیان می‌کردند و به‌طور دقیق تصویری جامع از جرم ارائه می‌دادند، شاید موضوعی برای بحث و بررسی باقی نمی‌ماند؛ اما رسانه‌ها تصاویر جهان واقعی را تحریف می‌کنند.^۳ از سوی دیگر، رسانه‌های گروهی و معنایی که از آن‌ها افاده می‌شود، همواره تغییر می‌کند و محققان باید خود را با آن وفق دهند و به این تغییر و تحول‌ها (نظیر به وجود آمدن یوتوب، فیس بوک، تویتر و...) واکنش مناسب نشان دهند. در این میان، جرم‌شناسان انتقادی به برخی از ویژگی‌های این تغییر و تحول‌های فناوری مدرن و اینترنت اشاره می‌کنند که از آن میان، می‌توان به رشد صنعت پورنوگرافی اشاره کرد. آن‌ها برنامه‌های نژادپرستانه، جنسیت‌گرا و دیگر کلیشه‌های به وجود آمده توسط رسانه‌های گروهی در مورد جرم و مجرمان را نقد می‌کنند و اینکه ایشان برداشت، تحلیل، استدلال و تفاسیر خود را به کمک ابزار گستردهٔ رسانه‌های جمعی به‌عنوان نظریهٔ غالب ارائه می‌کنند، که از آن تحت عنوان «جرم‌شناسی خبرساز» یاد می‌شود، به چالش می‌کشند. از آنجایی که رسانه‌های اجتماعی به افراد بی‌شماری دسترسی دارند، جرم‌شناسی خبرساز عنوان می‌کند که جرم‌شناسان تجدیدطلب و فعالان حقوق بشر باید از هر فرصتی به منظور ارائهٔ نظریات، تحقیقات، رویکردها و دیدگاه‌های خود در رسانه‌های گروهی با هدف «شنیده شدن صدایشان» استفاده کنند. مقالات جرم‌شناسی انتقادی به‌طور منظم در روزنامه‌ها و مجلات جرم‌شناسی به چاپ می‌رسد و برخی از جرم‌شناسان انتقادی به رادیو و تلویزیون دعوت می‌شوند که می‌توان از این مطلب به‌عنوان شاهدی برای این مدعا یاد کرد که رسانه‌های گروهی تلاش‌های صورت‌گرفته برای مقابله با سرمایه‌داری، نژادپرستی و زن‌ستیزی را به‌طور کامل مورد اغماض قرار نداده است؛ این در حالی است که جرم‌شناسی خبرساز به گردهمایی روشنفکرانهٔ اساتید دانشگاهی جرم‌شناسی در محیطی فارغ از ارزش‌گذاری اثبات‌گرایی علاقه‌ای ندارد.^۴

^۱. News Making Criminology

^۲. نجفی ابرندآبادی، پیشین.

^۳. فرجی‌ها، پیشین، ص ۶۴

^۴. Barak, Gregg. *Doing News making criminology from within the academy*, London: Sage publications, 2007, P 192.

گزارش جرم‌شناسی در جرم‌شناسی خبرساز به تلاش‌های آگاهانه و فعالیت‌های جرم‌شناسان برای تفسیر، تأثیر یا شکل دادن به بازنمایی مفاهیم ارزشمند جرم و عدالت اشاره می‌کند. به علاوه، یک گزارش جرم‌شناسی آشکال جنایت و مجازات را با پیدا کردن تصاویری از رسانه‌های گروهی به تصویر می‌کشد. این گزارش به منظور تسهیل یک مشی همگانی در مورد کنترل جرم و جنایت، براساس تحلیل‌های بنیادی و تاریخی پیشرفت‌های سازمانی و نگرش عموم، افکار و گفتار را دربارهٔ جنایت و عدالت تحت تأثیر قرار می‌دهد. این گزارش به جرم‌شناسان اجازه می‌دهد که با دانش خود به جلو بیایند و عقاید قابل قبول خود را در عرصهٔ تشکیل سیاست رسانه‌های گروهی به اثبات برسانند. همچنین این گزارش جرم‌شناسان را به گسترش همگانی زبان‌ها و مهارت‌های فنی اساسی برای ارتباط به منظور شرکت در ایدئولوژی جنایت و عدالت دعوت می‌کند.^۱ برای نمونه، نخستین سال‌های عمر طلایی گزارش جرم و جنایت در اخبار تلویزیون محلی در ایالت متحده آمریکا در اواسط جنگ‌های مبارزه با کوکائین (۱۹۸۸ تا ۱۹۹۱) بود. در این زمان، آنچه در رسانه‌ها و مباحثات جنایی حاکم بر سیاست، خشونت و عدالت در تلویزیون و رسانه‌های گروهی قابل ملاحظه بود، کمبود دانشمندان اجتماعی و رفتارگرا به طور کلی و به ویژه، نبود جرم‌شناسان سرشناس بود. این زمان دقیقاً جزو ساعات پربیننده بود و همهٔ مردم به تلویزیون دسترسی داشتند. اگرچه این موقعیت طی ۲۰ سال گذشته تغییر نکرد، همچنان جرم‌شناسی برخلاف سایر شاخه‌های علوم در مباحثات عمومی رسانه‌های گروهی حضور ندارد.

به طور خلاصه، جرم‌شناسی خبرساز از گذشته تا به امروز، یک فراخوان به عمل است؛ به طوری که از جرم‌شناسان می‌خواهد از بی‌طرفی و عدالت اظهارشده اجتناب کنند. برای مثال، به عنوان یک جرم‌شناس، درک انگیزهٔ روزنامه‌نگاران و گزارشگران علیه جرم و جنایت، به ویژه که برای ساختن گزارش خبری مفید باشد، امری ضروری است و در گزارش اخبار جرم و عدالت دخالت دارد. حتی مهم‌تر از همه، توانایی جرم‌شناسان در ساخت گزارش خبری است تا منابع روزنامه‌نگاری و ارتباطات خود را با کسانی که روابط مطمئن و دوسویهٔ آنان نیاز به حمایت دارد، توسعه دهند؛ به تعبیر دیگر، گزارش جرم‌شناسی امری تصادفی نیست. جرم‌شناسی چیزی ناگهانی مثل پاسخ دادن به تماس تلفنی یا ایمیل از یک گزارشگر ملی یا محلی نیست، بلکه چیزی است که گفت‌وگوهای اساسی دوجانبه و پایدار را در صورت امکان، با روزنامه‌نگارانی که به طور منظم درگیر گزارش‌های جنایت و عدالت هستند، بهبود می‌بخشد.^۲

به عقیدهٔ هنری، جرم‌شناسان مانند کارشناسان و روزنامه‌نگاران می‌توانند در محل‌های وقوع حادثه حضور یابند. سیسیل گریک این‌گونه نظرپردازی می‌کند: «اینکه گزارش جرم‌شناسی سعی می‌کند از رسانه‌های گروهی به منظور آوردن یافته‌های حقیقی در مورد جرم برای اکثر مخاطبین استفاده و عموم مردم را آگاه کند، کاری دشوارتر نسبت به تصویری ابتدایی در مورد آن است. این امر نیازمند درکی کامل از چگونگی عملکرد رسانه‌ها و برقراری ارتباطی مفید در شرایط و اشکال مختلف و آمادگی‌های پیشرفته است.» نظریهٔ گریک اساساً درست است. گریک و همکاران وی، براساس تجربیات و تلاش‌های خود اظهار می‌دارند که گزارش جرم‌شناسی امری دشوار است که در واقع، گاهی به موفقیت و اغلب به شکست می‌انجامد. در بازنگری، پی برده شده است که موفقیت معمولاً هنگامی اتفاق می‌افتد که گزارش جرم‌شناس به بررسی کامل اشکال خاص، ساختار و نوع رسانه‌های خصوصی بپردازد. همچنین برای به حداکثر رساندن تأثیرگذاری در به تصویر کشیدن عدالت، جرم، نظم و قانون، لازم است که جرم‌شناس بکوشد از یک گفت‌وگوی مناسب یا سبک گزارشی استفاده کند که با شیوه‌ها و جایگاه‌های مشخص روزنامه‌نگاری سازگار باشد.

^۱ Barak, Gregg. "News making Criminology: Reflections on the Media, Intellectuals, and Crime", *Justice Quarterly*, 5 (4), 1988, P 556.

^۲ فرجی‌ها، پیشین، ص ۶۴

گزارش جرم‌شناسی امکان پیشرفت سیاست‌های تدریجی درمورد قانون، نظم، عدالت و جرم را فراهم می‌آورد. درواقع، امروزه جرم‌شناسان در گزارش‌های خود می‌توانند کار خود را آن‌گونه که بود، انجام دهند. کار کردن با کسانی که در «تلاش برای عدالت» شرکت دارند، این امکان را برای جرم‌شناسان فراهم می‌آورد که در گزارش‌های خود گفتار تدریجی، زبان و تصویری از عدالت و جرم و سرانجام سیاست‌هایی را، که توسط جوامع در مبارزات خود علیه جرم و بی‌عدالتی اقتباس شده است، شکل دهند.

۳. جرم‌شناسی فرهنگی و رسانه‌ها

جرم موضوعی اجتماعی و اقتضای زندگی جمعی انسان‌هاست. مطالعات دقیق حاکی از آن است که ارتباط مستقیمی بین جرم، مجرم و در نتیجه شیوه‌های ارتکاب و پیشگیری با «فرهنگ» وجود دارد. بنابراین، جرم‌شناسی فرهنگی با مفاهیم مختلفی ارتباط می‌یابد که هر کدام از آن‌ها با وقوع یا پیشگیری از جرایم ارتباط تنگاتنگی پیدا می‌کنند. کیفر و اقدامات تأمینی و تربیتی نیز گاه بر همین اساس تعیین می‌شود یا باید با توجه به همین مبانی تعیین شوند. شناسایی تأثیر و تأثر فرهنگ جامعه و جرایم و تحقیق در فرهنگ گروه‌های مجرم، یکی از بهترین معیارها برای برنامه‌ریزی‌های آینده درباره جرم و مجرمان است و بی‌توجهی به این تعامل، ممکن است منجر به شکل‌گیری گروه‌های مجرم، سامان‌دهی و عضوگیری آن‌ها باشد. از لحاظ حقوق داخلی نیز بررسی جرم در بسترهای فرهنگی و ارائه تاریخچه‌ای از مباحث جرم‌شناسی در بسترهای فرهنگی، روش‌شناسی، وضعیت و موقعیت آن در جامعه امروز ایران و به‌ویژه ارتباط بین انعکاس جرایم در رسانه‌ها و مباحث مربوط به جرم‌شناسی فرهنگی بسیار مهم می‌نماید.

برای پی بردن به اهمیت عوامل فرهنگی، می‌توان به نظریه جرم‌شناسی فرهنگی^۱ اشاره کرد که از رویکردهای جدید جرم‌شناسی انتقادی معاصر محسوب می‌شود. جرم‌شناسی فرهنگی درواقع از تأثیرات پست‌مدرنیسم^۲ است. این جرم‌شناسی بر نقش ساختارهای فرهنگی جامعه در ارتکاب جرم و همچنین بازنمایی رسانه‌ای جرم تأکید دارد. این جرم‌شناسی رویکردی کلان و ساختاری دارد و به‌ویژه بر بحث تعارض‌های فرهنگی حاصل از وجود خرده‌فرهنگ‌های

1. Cultural Criminology

۱. اصطلاح پست‌مدرن که به‌عنوان وجه ممیز عرصه معاصر از عرصه مدرن تلقی می‌شود، ظاهراً مضمونی وام‌گرفته از نیچه است. این اصطلاح در علوم اجتماعی، برای دلالت بر رویکردی تازه به روش‌شناسی به کار رفته است. تلخیص معنای پست‌مدرن، دشوار و به عقیده بعضی غیرممکن است. اما به هر حال، برای درک بهتر این پدیده می‌توان پنج مضمون برجسته برای پست‌مدرن مشخص کرد که چهار مورد آن موضوع‌های نقادی آن است و یکی دیگر روش ایجابی آن را تشکیل می‌دهد. پست‌مدرنیسم نوعاً مضامین زیر را مورد نقادی قرار می‌دهد: حضور یا حاضر بودن (در مقابل بازنمایی و ساختن)، منشأ (در مقابل پدیده‌ها)، وحدت (در مقابل کثرت) و تعالی هنجارها (در مقابل درونی بودن آن‌ها). پست‌مدرنیسم نوعاً تحلیلی از پدیده‌ها از طریق غیریت‌سازنده "Constitutive Otherness" پیش می‌نهد. در این خصوص، انکار حضور گاه پست‌مدرنیسم‌ها را به جانشین کردن تحلیل بازنمایی‌های یک چیز به عوض بحث از خود چیز هدایت می‌کند. این بدین معناست که ما با مصداق‌های واقعی و فقط از طریق متن‌ها، بازنمایی‌ها و واسطه‌ها مواجه هستیم. پست‌مدرنیسم بر خلاف مدرنیسم منکر بازگشت یا حتی بازنمایی منشأ، سرچشمه یا هر واقعیت عمیق‌تری پشت پدیده است. پست‌مدرنیسم می‌کوشد تقریباً در همه انواع فعالیت‌های فکری نشان دهد که آنچه دیگران آن را یک واحد، یک وجود یا مفهومی منفرد و تام پنداشته‌اند، یک کثرت است. این تا حدودی انعکاسی است از ساختارگرایی که عناصر فرهنگی (کلمات، معانی، تجربه‌ها و جوامع) را ساخته روابط با عناصر دیگر می‌پندارد. انکار تعالی هنجارها برای پست‌مدرنیسم جنبه‌ای قاطع و تعیین‌کننده دارد. طبق برداشت آن‌ها، هنجارها در زمان و مکان معینی و برای خدمت به منافع معینی خلق شده‌اند و به بافت فکری و اجتماعی معینی وابسته‌اند. استراتژی ایده غیریت‌سازنده در تحلیل هر موجودیت فرهنگی به این معناست که محقق توجه خود را از مضامین مشهور و آشکار اعلام‌شده در یک متن به سوی مضامین به ندرت ذکر شده، عملاً غایب و تلویحاً یا تصریحاً ارزش‌زدایی‌شده معطوف می‌کند.

- کهون، لارنس، *از مدرنیسم تا پست‌مدرنیسم*، تهران: نشر نی، چاپ نهم، ۱۳۹۱، صص ۳ تا ۱۶.

مختلف موجود در جامعه تأکید دارد. جرم‌شناسی فرهنگی که به شکلی خاص در ارتباط با نظریه‌پردازی جرم‌شناس آمریکایی، جف فرل^۱، است، بر اهمیت تصویر، سبک و شیوه‌های ارائه^۲ و شیوه‌هایی تأکید دارد که به شکلی غیرمستقیم و با واسطه به ایجاد جرم و عدالت کیفری کمک کرده‌اند. در این رویکرد، جرم پدیده‌ای خُرده‌فرهنگی تلقی می‌شود که دربارهٔ تعامل‌گرایی نمادین^۳ سازمان می‌یابد. در اینجا، ساخت باواسطهٔ جرم و کنترل آن، با توجه به تعامل‌های میان نظام عدالت کیفری و رسانه‌های جمعی، مورد آزمون قرار می‌گیرد و به این مسئله نیز توجه می‌شود که چطور برخی اعمال جرم محسوب می‌شوند و اعمال دیگر این‌گونه نیستند.^۴ این دیدگاه تقارب فرایندهای فرهنگی و مجرمانه را در زندگی اجتماعی معاصر بررسی می‌کند. به بیان ساده‌تر، جرم‌شناسی فرهنگی به مطالعه و تدقیق شیوه‌های ساخت فرهنگ عمومی (ساختارهای فرهنگی جامعه) و به‌ویژه نقش رسانه‌های جمعی در ساخت جرم و کنترل آن می‌پردازد.^۵

رویکرد جرم‌شناسی فرهنگی درصدد فهم علت شیفتگی و علاقهٔ مردم به خشونت و جرم در رسانه‌ها و نیز به نمایش گذاشتن جرم و خشونت به‌عنوان تفریح یا منظرهٔ جالب‌توجه است. از این دیدگاه، تمامی جرم‌ها ریشه در فرهنگ دارند و عادات فرهنگی در فرایندهای عمدهٔ قدرت جای گرفته‌اند. بنابراین، جرم‌شناسی فرهنگی آن نگرش‌های رادیکالی که جرم را رفتاری در برابر اقتدار طبقه حاکم می‌داند، مورد حمایت قرار می‌دهد؛ اما برخلاف دیدگاه‌های نخستین، جرم‌شناسی رادیکال، که مقاومت و ایستادگی در برابر طبقهٔ حاکم را امری درونی و فردی می‌دانست، جرم‌شناسی فرهنگی بر ابعاد خارجی این شور و هیجان تأکید دارد.^۶

رشد فرهنگ عامه‌پسند، ظهور سبک‌های جدید زندگی و اهمیت یافتن بازنمایی‌های رسانه‌ای در دو دههٔ اخیر، چشم‌انداز تازه‌ای را در پرداختن به مسائل بزهکاری گشوده است. جرم‌شناسی فرهنگی، به عنوان نقطه تلاقی جرم‌شناسی و مطالعات فرهنگی، با فاصله گرفتن از علت‌شناسی‌های عموماً بیرونی و تأکید مفرط بر زمینه‌های فردی و ساختاری، جرم و مجرم را برساختی اجتماعی نیز تلقی می‌کند که برای فهم آن‌ها الزاماً باید به زمینه‌ها، متن اجتماعی و روابط قدرت در جامعه تأملی جدی داشت.^۷

به شکلی کلی‌تر می‌توان گفت که جرم‌شناسی فرهنگی اشاره به تحلیلی در حال رشد دارد که بر مبنای آن، امروزه بسیاری از جرم‌شناسان نظر به نقش مائز ساختارهای فرهنگی و به‌ویژه رسانه‌های جمعی^۸ در وقوع جرم دارند.^۹ این مسئله به خودی خود، طبق شواهد و مدارک، بررسی فرهنگی و رسانه‌ای جرم را به‌عنوان بخشی مستقل و حائز اهمیت در جرم‌شناسی مشخص می‌کند. برای مثال، تعداد زیاد مطالب منتشرشده در زمینهٔ رسانه، فرهنگ و جرم و وجود مفهومی به‌عنوان جرم‌شناسی فرهنگی، خود بر نفوذ ظریف تحلیل‌های رسانه‌ای و فرهنگی در زمینه‌های سنتی جرم‌شناسی در سال‌های اخیر تأکید دارد؛ به‌طوری که امروزه همایش‌های جرم‌شناسی دائماً فضا و مباحث بیشتری را به تحلیل‌های

1. Jeff Ferrell

2. Image, Style and Representation

3. Symbolic Interactionism

۴. مارش، یان، گینور ملویل، کیت مورگان، گارت نوریس و زئو والکینگتن، *نظریه‌های جرم*، ترجمه حمیدرضا ملک‌محمدی، تهران: نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۹، ص ۲۲۱.

۵. برای مطالعه بیشتر درخصوص جرم‌شناسی فرهنگی ر.ک: نجفی ابرنآبادی، پیشین، ص ۱۶؛ فریل، جف، «جرم‌شناسی فرهنگی»، ترجمه زهرا نظری، *مجلهٔ حقوقی داور*، شماره ۸، ۱۳۹۱؛ دکسردی، پیشین.

۶. فرجی‌ها، پیشین، ص ۶۲.

۷. ذکایی، محمد سعید، «جرم‌شناسی فرهنگی و مسئله جوانان»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره ۱۳، شماره ۱ و ۲، ۱۳۹۱، ص ۵۸.

۸. Mass Media

۹. Ferrell, Jeff. "Cultural Criminology", *Annual Review of Sociology*, Volume 25, 1999, P 396.

فرهنگی مربوط به بزهکاری نوجوانان، جرایم سازمانی و خشونت‌های خانوادگی اختصاص می‌دهند. از این رو، باید اذعان داشت که جرم‌شناسی فرهنگی بیشتر از آنکه تعریف و نمونه‌ای دقیق داشته باشد، شعاعی از دیدگاه‌های جدید است که به دلیل ارتباط با تصویر، معنا و نماد در مطالعه جرم به یکدیگر مرتبط شده‌اند.^۱ به بیان ساده، جرم‌شناسی فرهنگی سعی می‌کند تا دیدگاه‌های مطالعات فرهنگی را در جرم‌شناسی معاصر وارد کند.

جرم‌شناسی فرهنگی جرم را برساخته نظام‌های بازنمایی می‌داند. کلمات «برساخته بودن» و «نظام‌های بازنمایی» در این عبارت نیاز به توضیح دارد. تمامی جامعه‌شناسان و متخصصان علوم انسانی به لحاظ معرفت‌شناسی به دو گروه عمده تقسیم می‌شوند: گروه ذات‌گرایان^۲ و گروه برساخت‌گرایان^۳. ذات‌گرایان معتقدند، همچنان که در علوم طبیعی اشیا نمادی بیرونی دارند، همه مفاهیم اجتماعی و انسانی نیز نمودی بیرونی و قابل اشاره دارند؛ پس جرم نیز یک واقعیت بیرونی دارد. اما در مقابل، برساخت‌گرایان معتقدند که مفاهیم اجتماعی و انسانی، از جمله جرم، به‌عنوان یک مفهوم انسانی و اجتماعی، برساخته‌ای فرهنگی و اجتماعی است؛ چیزی که در فرایند اجتماع ساخته می‌شود؛ یعنی برعکس مفاهیم طبیعی ذات خارجی ندارد. در خصوص بازنمایی نیز به‌صورت مشخص، جرم‌شناسی فرهنگی در سه حوزه، نظام‌های بازنمایی را توضیح می‌دهد:

نخست، حوزه «جرم به‌عنوان فرهنگ» است.^۴ در نوع جرم‌شناسی، با نظریات مربوط به فرهنگ، خرده‌فرهنگ و امثال این‌ها مواجهیم. در اینجا خرده‌فرهنگ به‌عنوان تعارض فرهنگی مورد تحلیل قرار می‌گیرد و عاملی است که بر فرد فشار ایجاد می‌کند و فرد بر اثر آن فشار، مرتکب رفتار مجرمانه می‌شود. اما در اثر چرخش فرهنگی، فرهنگ جایگاهی برای مقاومت در نظر گرفته می‌شود. هال و جفرسون کتاب معروفی می‌نویسند با عنوان *مقاومت از طریق مناسک*^۵ و در این کتاب نشان می‌دهند که چگونه جوانان طبقه کارگر فرهنگ را دستاویزی برای مقابله با فرهنگ سرمایه‌داری حاکم می‌کنند. آقای هبداچ کتاب معروفی می‌نویسد با عنوان *خرده‌فرهنگ؛ معنای سبک*.^۶ او در آنجا نشان می‌دهد که چگونه مادها، پانک‌ها و راکرها با نحوه پوشش خود فرهنگ رسمی و گفتمان رسمی را به چالش می‌گیرند و نقض کرده، در برابر آن مقاومت می‌کنند. خانم آنجلیا مک رابی نیز به استراتژی مقاومت زنان می‌پردازد^۷ و بیان می‌کند که خرده‌فرهنگ‌ها بیشتر مردانه و خیابان‌محور و زنان از آن غایب‌اند؛ البته بدین معنا نیست که زنان در مقابل فرهنگ رایج و گفتمان رسمی مقاومت نمی‌کنند؛ اتفاقاً زنان از طریق فضاهای کوچکی در اتاق خواب و فضاهای فشن و رقص، به‌صورت عمیق‌تری در مقابل فرهنگ رسمی مقاومت می‌کنند. آن چیزی که جرم‌شناسی فرهنگی از آن به «جرم به‌عنوان فرهنگ» تعبیر می‌کند، جرمی است که در درون یک فرهنگ معنا می‌شود. برای مثال، افرادی که در درون یک فرهنگ زندگی می‌کنند، آنچنان که دیگران رفتاری را مجرمانه می‌پندارند، در نظر نمی‌گیرند؛ به‌طوری که رفتار مجرمانه در آن فرهنگ عادی می‌شود. در کتاب بکر، با نام *غریبه‌ها: مطالعاتی در جامعه‌شناسی انحراف*،^۸ به‌خوبی نشان داده شده است که چگونه مصرف‌کنندگان ماری‌جوانا مصرف آن را عادی‌سازی می‌کنند و این مصرف برای آن‌ها معنی دیگری دارد، نه این معنایی

^۱ Ibid.

^۲ Essentialism

^۳ Constructionism

^۴ برای مطالعه بیشتر در این خصوص ر.ک: آشوری، داریوش، *تعریف‌ها و مفهومی فرهنگ*، تهران، نشر آگه، ۱۳۸۰.

^۵ Hall, S. and Jefferson, T. (Editors), *Resistance Through Rituals: Youth Sub-Culture in Postwar Britain*, London: Hutchinson, 1976, P 23.

^۶ Hebdige, D. *Subculture: The Meaning of Style*, London: Methuen, 1979, P 56.

^۷ McRobbie, Angela. *Postmodernism and popular culture*, New York: Routledge, 1994.

^۸ Becker, H. *Outsiders: Studies in the Sociology of Deviance*, New York: The Free Press, 1963.

که ما تصور می‌کنیم.

دوم، بازنمایی رسانه‌ای^۱ است. جرم‌شناسی فرهنگی نشان داده که معنا هم در نمایش^۲ و هم در بازنمایی^۳ قرار گرفته است. رسانه‌ها برعکس آن تصور ساده‌انگارانه نخستین، صرفاً جرم را نمایش نمی‌دهند؛ بلکه با بازنمایی فرایند مجرمانه، به‌گونه‌ای دستکاری^۴ در مفهوم جرم انجام می‌دهند. این دستکاری معمولاً یا به شکل بدنمایی^۵ یا بیش‌نمایی^۶ صورت می‌گیرد. در اینجا می‌شود به کار کلاسیک استنلی کوهن^۷ تحت عنوان «هراس اخلاقی و شیطان‌های محلی» اشاره کرد.^۸ وی در آنجا نشان می‌دهد که چگونه دو گروه از جوانان در ساحلی در کشور انگلیس منازعه خیلی کوچکی انجام دادند، اما رسانه‌ها با پردازش رسانه‌ای، این قضیه را به مسئله‌ای اجتماعی تبدیل کردند. آهال و همکاران نیز نشان می‌دهند که کیف‌قاپی به‌عنوان مفهوم آمریکایی چگونه در انگلیس توسط رسانه‌های انگلیسی بازنمایی می‌شود و بستری برای مشکل انگاشتن جوانان سیاه‌پوست انگلیسی می‌شود.^۹

سوم، آنجایی که بازنمایی توسط خود نظام عدالت کیفری صورت می‌گیرد و از آن با نام فرهنگ به‌عنوان جرم^{۱۰} یاد می‌شود. در اینجا مداخله‌های کیفری که در فرهنگ صورت می‌گیرد، خودش معنای جدیدی از جرم تولید می‌کند. این مداخله‌های کیفری چه در سطح جرم‌انگاری و چه در سطح رویه‌های قضایی صورت می‌گیرد. به‌صورت خاص می‌توان به تحقیقات میلر اشاره کرد؛^{۱۱} ایشان در کتابش به‌خوبی نشان داده که چگونه سبک گنگ‌های خیابانی توسط اعضای این گنگ‌ها و مأموران تعلیق مراقبتی با مشارکت هم ساخته شده است. ایشان توضیح می‌دهد که مأموران تعلیق مراقبتی برای کنترل کردن گنگ‌های خیابانی بعضی از نمادها و نحوه پوشش این افراد را ممنوع تلقی می‌کنند و با ممنوع تلقی کردن این موارد، ناخواسته در شکل‌گیری آن چیزی که ما سبک گنگ‌های خیابانی می‌نامیم مشارکت دارند. فرل نیز همین تحقیق را در مورد گرافیتی و دیوارنگاره‌ها و سبک هیپ‌هاپ انجام و نشان می‌دهد که چگونه آرای قضایی و جرم‌انگاری‌ها جرم را برمی‌سازند.^{۱۲}

نتیجه آنکه جرم برساخته نظام‌های بازنمایی است؛ یعنی در سطح فرهنگی، رسانه‌ای و عملکرد خود نظام عدالت کیفری. جرم در این فرایند پیچیده که فرل برای توضیح آن از استعاره تالار آیین^{۱۳} استفاده می‌کند، برساخته می‌شود. وقتی که فرد در تالار آیین حرکت می‌کند، تصاویر اعوجاج دارند؛ جرم نیز چنین است. آنچه در خرده‌فرهنگ مجرمانه، توسط رسانه‌ها و خود نظام عدالت کیفری تولید شده، همه توسط همین‌ها به نحو دیالکتیک مصرف می‌شود؛ یعنی معنای جرم هم تولید و هم مصرف می‌شود. کسانی که مخاطب معنای جرم‌اند، به‌صورت صددرصد تصویر ارائه‌شده را قبول نمی‌کنند.

1. Media Representation

2. Presentation

3. Representation

4. Manipulate

5. Misrepresentation

6. Over Representation

7. Stanley Cohen

8. Cohen, S. *Folk Devils and Moral Panics*, London: MacGibbon and Kee, New edition, 1972, P 67.

9. Hall, S., Critcher, C., Jefferson, T., Clarke, J. and Roberts, B. *Policing the Crisis*, London: Macmillan, 1978, P 35.

10. Culture as Crime

11. Miller, J. A. *Struggles over the symbolic: gang style and the meanings of social control*, See Ferrell and Sanders, 1995, P 123.

12. Ferrell, Jeff. *Crimes of Style: Urban Graffiti and the Politics of Criminality*, Boston: Northeastern University Press, 1996, P 124.

13. Hall of Mirrors

تحقیقات متعدد این تصور ساده‌انگارانه را، که رسانه‌ها هر چیزی ارائه دهند مخاطبان کاملاً می‌پذیرند، رد کرده است. هال کتاب معروفی با عنوان *رمزگذاری و رمزگشایی در گفتمان تلویزیون*^۱ دارد که نشان می‌دهد بعضی مخاطبان تقابل ستیزه‌جویانه‌ای با این معانی دارند. در این فرایند پیچیده است که معنای جرم برساخته می‌شود. جرم‌شناسی فرهنگی همان‌طور که جرم‌شناسان فرهنگی می‌گویند، یک مکتب^۲ در عرض سایر مکاتب جرم‌شناسی نیست؛ بلکه یک منظر^۳ است. جرم‌شناسی فرهنگی جرم‌شناسی پوزیتیویستی را هم در نقطهٔ عزیمت، هم در متدولوژی و هم در نقطهٔ تأکید به چالش می‌کشد. بر این اساس، جرم‌شناسی فرهنگی در این معنا شاخه‌ای از جرم‌شناسی انتقادی^۴ و تا حدودی نزدیک به جرم‌شناسی پُست‌مدرن^۵ است.

در خصوص رابطهٔ رسانه و جرم، باید توجه داشت که این رابطه همواره در جرم‌شناسی کلاسیک مطرح است، اما جرم‌شناسی فرهنگی به عنوان رویکرد نظری برآمده از مطالعات فرهنگی، برداشت‌های ساده‌انگارانه از این رابطه را به کناری نهاد و معنای جرم را برساخته نظام‌های بازنمایی دانست. هراس اخلاقی تولیدشده توسط رسانه مفهوم جرم‌انگاری را از معنای سنتی آن، که در حقوق کیفری مورد نظر است، فراتر می‌برد و جنبه‌های جدیدی به آن می‌دهد.

تلویزیون به‌عنوان رسانه‌ای فراگیر و عامه پسند با پردازش‌های ایدئولوژیک از وقایع اجتماعی نقش مهمی در این فرایند جرم‌انگاری پنهان ایفا می‌کند. یافته‌های برخی از پژوهش‌ها نشان می‌دهد که در گفتمان تلویزیون ایران، تیپ گروهی از جوانان در قالب مصرف‌کنندگان منفعل نمادها، موسیقی زیرزمینی و فرقه‌ها رمزگذاری شده است. از سوی دیگر، گفتمان رسمی پلیسی و قضایی، نخست، خود در برساختن هراس اخلاقی از جوانان از طریق ایجاد دوگانه‌ها و بازتولید اسطوره‌هایی مانند جوانان «پاکدامن و سلیطه» تأثیر دارد و دوم، این برساخته رسانه‌ای را در قالب برساخته‌های حقوقی، مانند جرایم علیه عفت عمومی و اخلاق مصرف می‌کند.^۶

تلویزیون به دلیل گستردگی مخاطب، فراگیری و داشتن نقش کلیدی در برساختن فرهنگ عامه، با تولید و پخش برنامه‌هایی چون سریال‌ها، اخبار جنایی و فیلم‌های مستند، یکی از مهم‌ترین رسانه‌ها در نظام بازنمایی جرایم و انحرافات (به ویژه جوانان) است. این رسانه برنامه‌هایی آکنده از معانی نهفته را پخش می‌کند و می‌کوشد که با مهار این معانی، آن‌ها را به معنایی مرجح تبدیل کند؛ معنایی که کارکرد جهان‌بینی غالب را داشته باشد. دست‌اندرکاران تلویزیون شرح خاص خودشان از یک واقعهٔ پردازش‌نشدهٔ اجتماعی را به‌صورت گفتمان معنادار تلویزیونی ارائه می‌دهند و بدین‌سان تعیین می‌کنند که هر رویداد خام اجتماعی چگونه در گفتمان رمزگذاری شود. اگر این واقعیت رمزگذاری‌شده از تلویزیون به نمایش گذاشته شود، رمزهای فنی و عرف‌های بازنمایی تلویزیون بر آن تأثیر می‌گذارند تا آن برنامه هم به لحاظ فنی پخش‌کردنی باشد و هم واجد متن فرهنگی مناسبی برای بینندگان باشد. تلویزیون تمایل دارد که تصویری واقع‌گرایانه از جامعه عرضه کند و از این‌رو، گفته شده که تلویزیون ذاتاً رسانه‌ای واقع‌گراست؛ البته نه به این معنا که واقعیت محض را نمایش می‌دهد، بلکه به این معنا که توانایی ایجاد یک مفهوم اقتناع‌کننده از امر واقعی را دارد. خواست ارائهٔ «تصویر

^۱ Hall, S. *Encoding and Decoding in the Television Discourse*, Birmingham: Centre for Contemporary Cultural Studies, 1973, P 56.

^۲ school

^۳ perspective

^۴ برای مطالعهٔ بیشتر در این خصوص ر.ک: نجفی ابرندآبادی، پیشین؛ دکسردی، پیشین.

^۵ برای مطالعهٔ بیشتر در این خصوص ر.ک: فروزش، روح الله، «جرم‌شناسی پست‌مدرن»، *نشریه زمانه*، دوره جدید، شماره ۹۴، ۱۳۸۹.

^۶ فرجی‌ها، محمد و فرهاد الله‌وردی، «جرم‌انگاری رسانه‌ای: رمزگذاری و رمزگشایی مستند شوک»، *مجله جهانی رسانه*، دوره ۹، شماره ۱، ۱۳۹۳، ص ۲۴.

واقع‌گرایانه» در مستندهای تلویزیونی با تأکید بیشتری مورد نظر بوده و این‌رو، این نوع از برنامه‌ها به خوبی می‌توانند گفتمان تلویزیون را نمایندگی کنند. در ایران نیز مطالعه جنبه‌های مختلف بازنمایی رسانه‌ای جرایم و انحرافات اجتماعی که مورد غفلت پژوهش‌های دانشگاهی قرار گرفته، ضروری است. در بستر جامعه ایران، مفاهیم کلاسیک شده‌ای چون هراس اخلاقی و شیطان‌های محلی سویه‌های منحصر به فرد و پیچیده‌ای پیدا کرده‌اند که کاملاً قابل توجه و تحلیل است.^۱ یکی دیگر از عناصری که پست‌مدرنیسم بر آن تأکید دارد، رسانه است که منجر به رویکرد جرم‌شناسی فرهنگی شد. سلطه رسانه در شکل‌دهی به فرهنگ موضوعی عمومی در ادبیات پست‌مدرنیستی است. رسانه‌ها دارای توان هژمونی بر معناها هستند؛ بنابراین می‌توانند یک موضوع را به‌عنوان جرم یا غیر آن معرفی کنند. نورمن دنزین^۲ استعاره جامعه‌شناختی «جامعه‌نمایشی»^۳ را مطرح می‌کند که از طریق آن، جامعه صحنه نمایش رسانه‌ها می‌شود.

به بیان دیگر، جرم‌شناسی فرهنگی رویکردی مداخله‌گرایانه، روش‌شناسانه و نظری در مطالعه رسانه‌ای شدن جرم است که مجرمیت^۴ و کنترل آن را در زمینه فرهنگی قرار می‌دهد و جرم‌نهادها و سازمان‌های مربوط به کنترل جرم را به‌عنوان فرآورده‌های فرهنگی در نظر می‌گیرد. جرم‌شناسی فرهنگی با تأکید بر موضوعاتی مانند معنای موقعیتی، فرهنگ جوانان، هویت، فضا، سبک و فرهنگ رسانه‌ای در تلاش برای ایجاد یک تئوری پست‌مدرن و مدرن متأخر است.

جرم‌شناسی فرهنگی به تبیین تعاملات چندگانه میان رسانه‌ها، عموم مردم، نقض‌کنندگان قانون و عوامل کنترل اجتماعی توجه می‌کند که از طریق آن‌ها معانی جرم به شکل جمعی ساخته می‌شود. مهم‌ترین ویژگی‌های این رویکرد عبارت‌اند از: تبیین‌های مربوط به همگرایی فرایندها و پویایی‌های جرم و فرهنگ در زندگی روزمره؛ ترکیب شدن موضوعات مطالعات فرهنگی، پست‌مدرنیسم، جرم‌شناسی انتقادی، تعامل‌گرایی، آنارشسیسم و تحلیلی‌گفتمانی/متنی/رسانه‌ای؛ استفاده از روش‌شناسی مردم‌نگارانه برای آشکار کردن موضوعات معنا و بازنمایی؛ بررسی خرده‌فرهنگ‌های منحرف به‌عنوان جایگاه‌های جرم‌نگاری؛^۵ تبیین نقش احساسات عاطفی، اوقات فراغت و لذت‌جویی^۶ در فرایندهای جرم.

بنابراین از دید جرم‌شناسی فرهنگی، در مسیر مطالعه جرم علاوه بر خود عمل مجرمانه و صحنه جرم، اطلاعات، اخبار و بازنمایی‌های مربوط به آن در جامعه نیز حائز اهمیت‌اند. از این‌رو، جرم‌شناسان فرهنگی شبکه‌های ارتباطی نظیر رسانه‌ها و انواع خرده‌فرهنگ‌ها، مخاطبان و جریان بازخورد معانی و تصاویر را بررسی می‌کنند. بدین‌سان، جرم‌شناسان فرهنگی رسانه‌ها را به‌طور خاص مطالعه و نیز در بخشی دیگر از مطالعات خود، خرده‌فرهنگ‌های انحرافی را به‌عنوان پایگاه شکل‌گیری و وقوع فعالیت‌های مجرمانه بررسی می‌کنند. آنان به خرده‌فرهنگ‌های انحرافی به‌عنوان خرده‌فرهنگ‌هایی ضد‌مردمی و نیز عرصه‌های فرهنگی موازی با فرهنگ اصلی جامعه می‌نگرند. به‌طوری که فضا در این عرصه‌ها، تفکرات شیوه‌های رفتاری مخالف با فرهنگ اصلی اجتماع را ایجاد و ترویج می‌کنند.

بدین ترتیب، در شکل‌دهی جرم‌شناسی فرهنگی، دیدگاه‌های مختلف جامعه‌شناسی، مطالعات فرهنگی و پست‌مدرنیسم نقش‌آفرین‌اند و همین واقعیت علمی سبب توجه این دیدگاه به تفاوت‌های معنایی نزد افراد و گروه‌های مختلف اجتماعی، تأثیر ساختار قدرت در جهت‌دهی به تعریف جرایم و نیز دنیای متغیر نمادین امروزی می‌شود که به‌طور مداوم نمادها، معانی و الگوهای رفتاری جدیدی را با خود به همراه دارد. علاوه بر این، جرم‌شناسی فرهنگی تمرکز خاصی بر خرده‌فرهنگ‌ها

^۱ همان، ص ۲۷.

^۲ Norman Denzin

^۳ Dramaturgical

^۴ Criminality

^۵ Criminalization

^۶ Pleasure

و گروه‌های حاشیه‌ای و منحرف دارد و درصدد نشان دادن این واقعیت اجتماعی است که چگونه این گروه‌ها از طریق سبک‌ها، هنجارها و ارزش‌های فرهنگی خود به‌طور روزمره به نقض قوانین کیفری می‌پردازد و با این شیوه از خود مقاومت نشان می‌دهند.^۱

به عبارتی، سنت جرم‌شناسی فرهنگی با بیان ضرورت انتخاب نگاهی متفاوت به مسئله جرم و فراتر رفتن از نگاه‌های سنتی، متن اجتماعی و فرهنگی ظهور فعالیت‌های مجرمانه را مطالعه می‌کند و توجه ویژه‌ای به ساختارهای قدرت، تفاوت‌ها و تضادهای معنایی، انتقال پیام رسانه‌ای و خرده‌فرهنگ‌ها دارد که این تنوع مفهومی و نظری، جهت‌گیری روش‌شناسی جرم‌شناسی فرهنگی را در تفاوتی آشکار با سنت کمی‌گرایانه جرم‌شناسی‌های سنتی و متمایل به «روش‌شناسی کیفی» (به‌ویژه قوم‌شناسی، مشاهده و نشانه‌شناسی و تحلیل محتوای کیفی) قرار می‌دهد. جرم‌شناسی فرهنگی به بیان فرل، نیازمند فهمی جرم‌شناختی است که پژوهش‌گر را عمیقاً در میدان و صحنه مطالعه وارد و او را آماده‌ارائه تحلیلی فراتر از موقعیتی، که جرم در آن واقع شده است، می‌کند. از سویی دیگر، بررسی انتقادی و تیزبینانه اقسام متون تولیدشده در فرهنگ رسانه‌ای، همانند فیلم، کتاب، تصاویر تلویزیونی، فضای مجازی و... روش جایگزینی را شکل می‌دهد که با فنون معمول تحلیل محتوا و نشانه‌شناسی هم‌خوانی بیشتری دارد.^۲

دیدگاه جرم‌شناسی فرهنگی مبنی بر اینکه معنای جرم همواره در حال ساخته شدن است، در مطالعه دنیای معاصر تماشاگران برنامه‌های رسانه‌ای، به‌ویژه ابررسانه‌ها، به‌طور خاص به چشم می‌آید؛ ابررسانه‌ها نیز فناوری‌های ارتباطی سازمان‌یافته و در ابعاد وسیع‌اند. دلیل تمایز و برتری ابررسانه‌ها توانایی آن‌ها در برقراری ارتباط میان گروه کوچکی از مردم با هزاران و حتی میلیون‌ها فرد است. در این رابطه، جرم‌شناسان فرهنگی توجه خاصی به رسانه‌های جمعی در سطوح مختلف دارند. جرم‌شناسی فرهنگی با اعتقاد به تأثیر تصاویر و معانی ارائه‌شده از سوی رسانه‌ها بر ذهن و رفتار مردم جامعه به بهره‌گیری از شیوه تحلیل محتوای متون رسانه‌ای سخت‌پایندند و به‌ویژه، به مطالعه وحشت بزرگ‌نمایی‌شده از بزهکاری و ترس اخلاقی تولیدشده درباره این پدیده، که محصول فرایندهای رسانه‌ای است، توجهی خاص دارد.

البته با تمامی این اوصاف، جرم‌شناسی فرهنگی بر رابطه رسانه با جرم از طریق بررسی قابلیت پست‌مدرن جرم برای تبدیل شدن به سرگرمی و کالا تأکید می‌کند. جرم‌شناسان فرهنگی در این زمینه بیان می‌دارند که در جریان شکل‌گیری جرم به‌عنوان نگرانی‌های اجتماعی - فرهنگی و حقوقی، رسانه‌ها بدین پدیده‌ها، شکل سرگرمی نیز می‌بخشند. از منظر جرم‌شناسی فرهنگی، با توجه به حجم فعالیت رسانه‌ها در تبدیل جرم به سرگرمی، همه ما به‌عنوان مخاطبان محصولات رسانه‌ای نه‌فقط هدف تصاویر و برنامه‌های مشخصی درخصوص بزهکاری هستیم، بلکه به‌طور مشابه هدف فرایند کنایه‌آمیزی قرار می‌گیریم که سبب لذت بردن ما از مصیبت، مرگ و تباهی می‌شود؛ به‌گونه‌ای که خودمان درد، غم و ترس را به‌عنوان سرگرمی انتخاب می‌کنیم. به همین دلیل جرم‌شناسان فرهنگی، که به تحقیق پیرامون رسانه‌های معاصر می‌پردازند، به بررسی فیلم‌ها، موسیقی‌ها و برنامه‌های تلویزیونی عامه‌پسند همان اندازه تأکید و تمرکز دارند که بر مطالعه ساختار اخبار و اطلاعات جنایی منتشره از رسانه‌ها. پس فعالیت‌های اخیر جرم‌شناسان فرهنگی در این زمینه بیشتر متوجه برنامه‌ها و فیلم‌های محبوب و پربیننده تلویزیونی بوده است؛ برنامه‌هایی که به بازسازی رویدادهای جنایی واقعی می‌پردازند. از این منظر، با نمایش فیلم‌های مستند و صحنه‌های بازسازی‌شده از وقایع مجرمانه، تصاویر گوناگون و بعضاً

۱. آقایی، سارا، «تحلیل جرم در جرم‌شناسی فرهنگی»، رساله دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه تهران، ۱۳۹۳، ص ۵۰.

۲. ذکایی، پیشین.

متضادی از جرم، عدالت کیفری و فعالیت‌های نیروی پلیس ارائه می‌شود؛ تصاویری که در برخی موارد ترسی اغراق‌شده از بزهکاری را در بطن جامعه می‌پروراند.

نتیجه‌گیری

دولت‌ها تلاش می‌کنند که از طریق افزایش ترس عمومی دربارهٔ افرادی که به‌طور علنی در خیابان‌ها به خشونت متوسل می‌شوند، توجه مردم را از بحران‌های سیاسی و اقتصادی منحرف و به‌سمت جرایم خشونت‌آمیز معطوف کنند. در نتیجه، سیاست‌مداران نه‌فقط با بازنمایی رسانه‌ای گستردهٔ جرایم خشونت‌آمیز مخالفت نمی‌کنند، بلکه از آن استقبال می‌کنند. از این‌رو، اگرچه تهیهٔ یک گزارش خبری موفق در رویکرد جرم‌شناسی خبرساز کاری پیچیده است، کارشناسان باید گفت‌وگوهای خود را براساس نوع و ساختار مناسب طراحی کنند. همچنین آن‌ها باید از مطرح کردن موضوعاتی که برای مداخلهٔ جرم‌شناسی مناسب و هدایت‌کننده نیستند، پرهیز کنند. از آنجا که جرم‌شناسی انتقادی به‌عنوان رهیافتی نو در مکتب‌های جرم‌شناسی به تحلیل اقتصاد سیاسی جرم، انحراف و تبیین رابطه میان ساختار اجتماعی نظام‌های سرمایه‌داری و رفتارهای بزهکارانه می‌پردازد، گزارش خبری جرم‌شناسان باید به‌جای ساختارهای خبری یا رسانه‌های جمعی، ساختارهای متضاد و مغایر و همچنین ساختارهای گزارش‌نویسی و گزارش را دربر گیرد (ساختار گزارش‌نویسی کلاسیک که براساس چرخه‌های تولید روزانه اخبار تلویزیون عمل می‌کند، اطلاعات و وقایع روز را منتقل می‌کند که حقایق بی‌روح و پیچیده را بیان می‌کند. به عبارتی، ساختارهای گزارش‌نویسی دیدگاهی تک‌بعدی و جزئی از واقعیت را امکان‌پذیر می‌کنند که در آن تمرکز بر وقایع و واکنش‌های شدید است، نه بر شرایط اصلی، علت‌های احتمالی یا انگیزه‌ها. اما ساختار گزارش اغلب ساختاری مفید و نسبتاً پیچیده است که برای بررسی تضادها و منابع آن‌ها، پویایی و تأثیر را بیان می‌کند. این ساختار راه‌هایی را برای تولید درک عمیق‌تر فراهم می‌کند؛ همان‌طور که گزارش‌های خبری بیشتری را در نظر می‌گیرد تا گزارش‌های خبری کمتر. ساختارهای گزارش شبیه به سبک‌های مستند است و برخلاف ساختارهای گزارش‌نویسی، توصیفات ارزشمندی از واقعیت را ارائه می‌دهند و همیشه طرح گزارش و رویداد را از «آنچه که هست» به «آنچه که باید باشد» تغییر می‌دهند. ضمن آنکه با استفاده از فیلم، ویدئو و ابزارهای کمکی دیگر و سایر اسناد و مدارک، ساختارهای گزارش، خود را مانند ناظران حاضر در مکان یا فضای مجازی قرار می‌دهند و به‌عنوان شاهدان عینی از فراسوی ساختارهای دوگانهٔ حقیقت و توهم حرکت می‌کنند و وارد علم شناخت احساسات انسان می‌شوند). گزارش جرم‌شناسان در زمینهٔ ساختارهای گزارش، نسبت به ساختارهای گزارش‌نویسی، ممکن است نتیجه‌بخش باشد، اما این ساختارها پیچیده‌ترند، زیرا هر یک از این ساختارهای نمونه می‌توانند به صورت‌های مختلف و براساس اشکال ارتباطی تحلیلی یا گزاره‌ای (مغایر) و هنری یا عاطفی (اجماع) سوق داده شوند.

جرم‌شناسان انتقادی در تحلیل فرایند جرم‌انگاری به‌گفتمان ابزارگرایی کیفری می‌پیوندند. این گفتمان قانون کیفری را در بسترهای مختلف، ابزاری برای دستیابی به منافع گروهی خاص می‌داند. ساختارهای پیشین بر ابزارهای کمکی دیداری مانند پیامد و تاکتیک‌های تروریسم تمرکز می‌کنند و ساختارهای دیگر، شامل موادی در مورد اهداف، غرایض و دلایل می‌شوند. این‌ها همگی نشان داده‌اند که خواه در مورد گزارش خبری تروریسم در خاورمیانه و خواه آمریکای شمالی صحبت کنیم، می‌توان ترکیبی از وقایع و عناوین و همچنین ساختارهای دیگر را برای نشان دادن تروریسم یا ضدتروریسم تشخیص داد. پس ارتباط میان گزارش جرم‌شناسی و شکل‌گیری سیاست عمومی قابل مشاهده است. باین‌حال، گزارش جرم‌شناسی به‌عنوان دیدگاهی در مورد نظریه، تجربه و مطالعهٔ ارتباطات گسترده و تصویر و ساختاری اجتماعی از عدالت و جرم، هنوز

به‌طور کلی روشی ارزشمند برای درک اساسی اعمال جرم‌شناسی گسترده‌تر و به‌ویژه جرم‌شناسی اجرایی است که نقش‌ها و عملکردهای مشترکی در اجرای بخشی از سیاست‌مداری سرمایه‌داری و لیبرالیسم خصوصی را بر عهده دارد.

منابع

کتاب

۱. آشوری، داریوش، *تعریف‌ها و مفهومی فرهنگ*، تهران: نشر آگه، ۱۳۸۰.
۲. دکسردی، والتر، *جرم‌شناسی انتقادی معاصر*، ترجمه و تحقیق: مهرداد رایجیان اصلی و حمیدرضا دانش‌ناری، تهران: دادگستر، چاپ دوم، ۱۳۹۴.
۳. کهون، لارنس، *از مدرنیسم تا پست‌مدرنیسم*، تهران: نشر نی، چاپ نهم، ۱۳۹۱.
۴. مارش، یان، گینور ملویل، کیت مورگان، گارت نوریس و زئو والکینگتن، *نظریه‌های جرم*، ترجمه حمیدرضا ملک‌محمدی، تهران: نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۹.
۵. نجفی ابرنآبادی، علی حسین، *جرم‌شناسی در آغاز هزاره سوم (درآمد ویراست دوم)*، در: دانشنامه جرم‌شناسی، تهران: گنج دانش، چاپ دوم، ۱۳۹۰.

مقاله

۶. ذکایی، محمد سعید، «جرم‌شناسی فرهنگی و مسئله جوانان»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره ۱۳، شماره ۱ و ۲، ۱۳۹۱.
۷. صادقی، سهیلا و ستار پروین، «جرم: برساخته ذهنیت، گفتمان و قدرت»، *فصلنامه پژوهش حقوق و سیاست*، دوره ۱۳، شماره ۳۳، ۱۳۹۰.
۸. فرجی‌ها، محمد و فرهاد‌الله‌وردی، «جرم‌انگاری رسانه‌ای: رمزگذاری و رمزگشایی مستند شوک»، *مجله جهانی رسانه*، دوره ۹، شماره ۱، ۱۳۹۳.
۹. فرجی‌ها، محمد، «بازتاب رسانه‌ای جرم»، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، جلد ۶، شماره ۲۲، ۱۳۸۵.
۱۰. فروزش، روح‌الله، «جرم‌شناسی پست‌مدرن»، *نشریه زمانه*، دوره جدید، شماره ۹۴، ۱۳۸۹.
۱۱. فریل، جف، «جرم‌شناسی فرهنگی»، ترجمه زهرا نظری، *مجله حقوقی داور*، شماره ۸، ۱۳۹۱.
۱۲. گسن، رمون، «گرایش‌های نو در جرم‌شناسی»، ترجمه علی حسین نجفی ابرنآبادی، *فصلنامه تحقیقات حقوقی*، دوره ۲، شماره ۲، ۱۳۶۵.

رساله

۱۳. آقایی، سارا، «تحلیل جرم در جرم‌شناسی فرهنگی»، رساله دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه تهران، ۱۳۹۳.

References

Books

1. Ashouri, Dariush, *Definitions and Concept of Culture*, Tehran: Agah Publishing, 2001. (in Persian)
2. Barak, Gregg. *Doing News making criminology from within the academy*, London: Sage publications, 2007.
3. Becker, H. *Outsiders: Studies in the Sociology of Deviance*, New York: The Free Press, 1963.
4. Cohen, S. *Folk Devils and Moral Panics*, London: MacGibbon and Kee, New edition, 1972.
5. Dexerdi, Walter, *contemporary critical criminology*, translated and researched by: Mehrdad

- Rayejian Asli and Hamid Reza Danesh-Nari, Tehran: Dadgostar, Second Edition, 2015. (in Persian)
6. Ferrell, Jeff. *Crimes of Style: Urban Graffiti and the Politics of Criminality*, Boston: Northeastern University Press, 1996.
 7. Hall, S. *Encoding and Decoding in the Television Discourse*, Birmingham: Centre for Contemporary Cultural Studies, 1973.
 8. Hall, S., Critcher, C., Jefferson, T., Clarke, J. and Roberts, B. *Policing the Crisis*, London: Macmillan, 1978.
 9. Hall, S. and Jefferson, T. (Editors), *Resistance Through Rituals: Youth Sub-Culture in Postwar Britain*, London: Hutchinson, 1976.
 10. Hebdige, D. *Subculture: The Meaning of Style*, London: Methuen, 1979.
 11. Kahun, Lawrence, *From Modernism to Postmodernism*, Ninth Edition, Tehran: Ney Publishing, 2012. (in Persian)
 12. Marsh, Ian, Gainor Melville, Keith Morgan, Garth Norris and Zeo Walkington, *Theories of Crime*, Translated by Hamid Reza Malek Mohammadi, First Edition, Tehran: Mizan, 2010. (in Persian)
 13. McRobbie, Angela. *Postmodernism and popular culture*, New York: Routledge, 1994.
 14. Miller, J. A. *Struggles over the symbolic: gang style and the meanings of social control*, See Ferrell and Sanders, 1995.
 15. Najafi Abrand-Abadi, Ali Hossein, *Criminology at the beginning of the third millennium (Second Edition Introduction)*, In: Encyclopedia of Criminology, Tehran: Ganj-e-Danesh, Second Edition, 2011. (in Persian)

Articles

16. Barak, Gregg. "News making Criminology: Reflections on the Media, Intellectuals, and Crime", *Justice Quarterly*, 5 (4), 1988.
17. Farajih, Mohammad and Farhad Allah-Verdi, "A Study on the Media Construction of Criminality: Encoding and Decoding "Shock" Documentary Media coverage of crime", *The Global Network of Communication Scholars*, Volume 9, Issue 1, 2014. (in Persian)
18. Farajih, Mohammad, "The Media Reflection of Crime", *Social Welfare Quarterly*, Volume 6, Issue 22, 2006. (in Persian)
19. Ferrell, Jeff. "Cultural Criminology", *Annual Review of Sociology*, Volume 25, 1999.
20. Friell, Jeff, "Cultural Criminology", Translated by: Zahra Nazari, *Legal Journal of Davar*, Issue 8, 2013. (in Persian)
21. Frouzesh, Rouhollah, "Post-modern criminology", *Zamaneh Magazine*, New Volume, Issue 94, 2010. (in Persian)
22. Gasan, Ramon, "New Trends in Criminology", Translated by: Ali Hossein Najafi Abrand-Abadi, *Legal Research Quarterly*, Volume 2, Issue 2, 2016. (in Persian)
23. Henry, S. "News making Criminology as Replacement Discourse", In: Barak, Gregg, *Media, Process, and the Social Construction of Crime: Studies in News making Criminology*, New York: Garland, 1994.
24. Sadeghi, Soheila and Sattar Parvin, "Crime: Constructed by Mentality, Discourse and Power", *Law and Politics Research Quarterly*, Volume 13, Issue 33, 2011. (in Persian)
25. Zokaei, Mohammad Saeed, "Cultural criminology and the youth problem", *Iranian Journal of Sociology*, Volume 13, Issues 1 & 2, 2012. (in Persian)

Thesis

26. Aghaei, Sara, "Crime analysis in cultural criminology", Doctoral Dissertation in criminal law and criminology, Faculty of Law, *University of Tehran*, 2014. (in Persian)